

## ارتقای سلامت دستگاه قضا: موردکاوی مبارزه با پدیده واسطه‌گری

غلامرضا ذاکر صالحی

استادیار موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی zsalehi@irphe.ir

مهدی رحمتی فر

کارشناس ارشد حقوق خصوصی

تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۲۶

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۱/۲۰

### چکیده

هم اکنون برخی از مراجع قضایی و دادگستری های کلان شهرها با پدیده دلالی و واسطه‌گری دست به‌گیری‌اند. این موضوع مساله مطالعه حاضر را تشکیل می‌دهد. در این مقاله نویسنده برای تبیین نظری این پدیده الگوی هم افزای عرضه - تقاضای خدمات فاسد قضایی را ارائه کرده است. ابتدا ادبیات مربوط به فساد قضایی مورد کنکاش قرار گرفته و سیاست‌ها و راهبردهای کشورهای مختلف جهان برای کنترل و پیشگیری از بروز فساد قضایی معرفی شده است. سپس ماهیت دلالی و واسطه‌گری در مراجع قضایی مورد بحث قرار گرفته است. در ادامه جوانب مختلف مساله اعمال نفوذ با بهره‌گیری از قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی و قوانین و مقررات مشابه بررسی شده است. در پایان پس از بیان اشکال گوناگون تخلفات و جرائم مرتبط با موضوع بر لزوم تدوین قانونی جامع برای پیشگیری و مقابله با این پدیده تاکید می‌شود.

**واژگان کلیدی:** فساد قضایی، دلالی، واسطه‌گری، اعمال نفوذ، جعاله

براساس بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی یکی از تکالیف دولت تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون است. همچنین در سیاستهای کلی قضایی مصوب دوم آذر ۱۳۸۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام موارد مهمی در جهت سلامت و کارآمدی نظام قضایی کشور پیش بینی شده است که از جمله آنها: تمهیدات لازم برای فراگیر کردن نهاد داوری، اتخاذ تدابیر لازم جهت کاهش فرآیند دادرسی و دستیابی سریع و آسان مردم به حقوق خود می باشد. تحقق این مسئولیتها مستلزم سلامت نظام قضایی و پیشگیری از فساد و ناکارآمدی و اختلال در خدمات قضایی است.

یکی از مصادیقی که موجب اخلال در روند دستیابی به این سیاستها شده و موجب بروز فساد اداری و قضایی در کشورهاست وجود واسطه ها و دلالتان متعدد در نظام اداری و ارائه خدمات، کالاهای و ملزومات زندگی به مردم است. در واقع دلالتان با رسوخ به لایه های اجتماع و ایجاد روابط به راحتی می توانند از طرق مختلف و با تمسک به شیوه های خاص خود موجبات سودآوری خویش را از طریق دلالتی فراهم سازند. در این مقاله به بررسی نفوذ دلالتان و واسطه ها در مراجع قضایی و انجام فعالیت های مرتبط با سیستم قضایی نظیر ارائه مشاوره حقوقی، پذیرش وکالت و ... توسط دلالتان می پردازیم. اکنون مراجع قضایی و دادگستری های کلان شهرها نیز از پدیده دلالتی و واسطه گری و فساد مستثنی نیستند<sup>۱</sup>. مردم با مراجعه به مراجع قضایی در صدد حل و فصل مشکلات خود هستند اما این افراد با نفوذ در توده ها و جذب مردم با روابط اجتماعی قوی که برخی از آن ها دارند اقدامات خود را پیش می برند. برخی از این افراد با غصب عناوین یا امید دهی واهی به مردم و معرفی خود به عنوان شخصی که در مراجع ذیربط دارای روابط خاص می باشد مبادرت به جذب پرونده نموده با اخذ مبالغ کلان از مردم به فعالیت های خود ادامه می دهند. این افراد که برخی خود را دکتریا وکیل بازنشسته قلمداد می نمایند با تاسیس دفاتر کار به نفوذ در لایه های اجتماع پرداخته و مبادرت به استخدام تعدادی وکیل نموده و با پرداخت درصدی از حق الوکاله به وکلا در این میان از مزایای دلالتی خود بهره مند می گردند. البته تعدادی از آن ها نیز بدون استخدام وکیل با این عنوان که در مراجع قضایی رابط و به اصطلاح پارتنری دارند به اخذ مبالغ کلان از مردم می پردازند و اظهار می کنند که توان گرفتن رأی به نفع آنها را دارند. این معضل دو وجه دارد. یک وجه مسئله به

<sup>۱</sup>. مستند آئین فراز از اظهارات ریاست محترم قوه قضائیه در جلسه مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۸ مسئولان عالی قضایی است: در قطع کردن ایادی «دخالت کننده در دستگاه قضایی در این مدت کوتاه، این دستگاه بسیار موفق بوده است. ما کسانی را ردیابی کردیم که کارشان فقط واسطه گری بوده...»

### ارتقای سلامت دستگاه قضا : موردکاوی مبارزه با پدیده واسطه گری / ۳۵

فساد قضایی و آسیب پذیری مراجع قضایی برمی گردد. بعد دیگر به مرتکبین این اعمال در سطح جامعه و وکلا مربوط می شود. این دو بعد بر یکدیگر اثر متقابل دارند. به این معنا که خلل و ناکارآمدی و فساد در مراجع قضایی موجب ناامیدی مردم از وصول به حق خود در مدت زمان معقول می شود. این عامل موجب رو آوردن آنها به طرق ومبادی غیر رسمی و در نتیجه تشدید پدیده می شود. از سوی دیگر رواج واسطه گری مجددا موجب افزایش تقاضا از طرف مردم برای فعالیت غیر قانونی توسط متصدیان امر قضا و آلوده شدن آنها می گردد. در این مقاله تلاش می کنیم تا ماهیت این گونه فعالیت ها را از منظر حقوق تجارت و قوانین و مقررات راجع به دلالتی و سایر قوانین موجود بررسی نماییم.

#### سوال تحقیق:

پرسش اصلی مطالعه حاضر این است که ماهیت و وضعیت حقوقی واسطه گری و دلالتی در مراجع قضایی چیست و قوانین موجود در ایران این پدیده را چگونه دیده است؟

#### علل و عوامل بروز پدیده فساد قضایی و واسطه گری

در مورد علل وعوامل بروز ویا تشدید پدیده فساد قضایی ومصداق آن یعنی واسطه گری در محاکم، پژوهش مستقل وتجربی صورت نگرفته است. اما به نظر نگارندگان عوامل زیر می تواند مورد توجه محققان قرار گیرد تا به عنوان فرضیه وزن هر عامل در فرآیند یک پژوهش میدانی تبیین شود:

- انگیزه سوء استفاده طرفین دعوا
- اطلاع دادرسی
- وجود شبکه روابط غیررسمی
- احساس عدم کارآمدی سیستم قضایی بین مراجعین (با عدم کارآمدی متفاوت است)
- بی میلی طرفین دعوا نسبت به پیگیری پرونده بدلیل ازدحام در محاکم یا برخوردهای نامناسب برخی کارکنان
- بی اطلاعی از آیین دادرسی وقوانین
- فقدان روابط عمومی قوی جهت راهنمایی مراجعین
- ضعف محاکم در استفاده از روشها و تکنولوژیهای نوین اداری وارتباطی

– نا متعادل شدن نظام عرضه و تقاضای خدمات حقوقی به دلیل افزایش چشم گیر تعداد وکلای جوان و رقابت بر سر جذب موکلین

### آموزه های نظری پیرامون فساد قضایی و مبارزه با آن

یکی از ابعاد مهم این پدیده به ناکارآمدی و فقدان سلامت در سیستم قضایی کشورها مربوط می شود. فساد قضایی (judicial corruption) از یک مدل عرضه- تقاضا پیروی می کند. هر چه تقاضای جامعه برای خدمات فاسد کاهش یابد چرخه تولید آن کند می شود. معمولاً راهبردهای تجویزی هر دو سوی قضیه را مورد توجه قرار داده اند. اکنون به برخی مطالعات شاخص در این زمینه اشاره می کنیم.

سازمان بین المللی شفافیت فساد را «به عنوان سوء استفاده از قدرت واگذار شده در جهت منافع شخصی» تعریف می کند. منافع می تواند شامل مزایای مالی، مادی یا غیر مادی مثل پیشبرد خواسته های سیاسی یا حرفه ای باشد. فساد قضایی می تواند شامل هرگونه اثر نامطلوب بر روند بی طرفانه قضایی و توسط هر عاملی در سیستم دادگاه باشد (گزارش سال ۲۰۰۷ فساد جهانی، ص ۱).

برای مثال، قاضی ممکن است شواهدی برای توجیه و تبرئه مدعی علیه و مجرم دارای مقام سیاسی یا اجتماعی بالا را فراهم نموده یا از بین ببرد. قاضی یا کارکنان دادگاه می توانند تاریخ دادگاه را به نفع یک طرف دستکاری نمایند. در کشورهایی که صورتجلسات دقیق دادگاه وجود ندارد، قضات روند دادرسی را به طور غیر دقیق و به صورت دلخواه مرتب می نمایند یا شهادت شهود را قبل از صدور رأی به نفع طرفی که رشوه داده است تغییر می دهند. همچنین، پرسنل دادگاه ممکن است پرونده ای را در ازای دریافت مبلغی گم نمایند.

به نظر این سازمان، بخش های دیگر سیستم قضایی هم بر فساد قضایی اثر می گذارند. پرونده های جنایی می توانند قبل از اینکه به دادگاه برسند دچار فساد گردد و در صورتیکه پلیس با شهادت مجرم حمایت نماید مذاکرات پنهانی داشته باشد یا دادستان ها قادر به اعمال معیارهای یکپارچه روی شواهد ارائه شده توسط پلیس نباشند فساد رخ می دهد. در کشورهایی که نتیجه پیگردهای قانونی قبل از موعد دادگاه ها انحصاراً در اختیار ارگانی خاص باشد دادستان فاسد می تواند به طور مؤثری روند صحیح اعمال قانون را مسدود نماید.

از نظر سازمان بین المللی شفافیت، فساد قضایی شامل سوء استفاده از سرمایه های عمومی اندکی است که اغلب دولت ها برای عدالت اختصاص می دهند برای مثال، قضات ممکن است

### **ارتقای سلامت دستگاه قضا: موردکاوی مبارزه با پدیده واسطه‌گری / ۳۷**

اعضای خانواده خود را به عنوان کارکنان دادگاه یا دفاتر مربوطه استخدام نمایند و قراردادهای مربوط به ساختمان‌های دادگاه و تجهیزات مورد نیاز را به نفع خود یا آشنایان دستکاری نمایند. فساد قضایی می‌تواند از فعالیت‌های قبل از محاکمه تا نتایج دادگاه، حل و فصل آنها و اجرای تصمیمات اتخاذ شده توسط ضابطان مربوطه گسترده باشد (گزارش سال ۲۰۰۷ فسادجهانی، ۱).

از منظر این گزارش، دو نوع فساد بیشتر از همه بر قضاوت اثر می‌گذارد: مداخله سیاسی در روند قضایی توسط بخش اجرایی و قانونگذاری دولت و رشوه خواری. در انتهای این گزارش چهار راهکار برای مقابله با فساد قضایی پیشنهاد شده که عبارتند از: روند مستقل و بی طرفانه انتصابات قضایی، اصلاح قوانین ومقررات، پاسخگویی ونظم، شفافیت (همان، ۵).

طراحی استراتژی‌های ضد فساد برای کشورهای در حال توسعه از مراکز ثقل مطالعات کلان و ملی در برخی کشورها بوده است. برای نمونه یکی از پژوهشگران، این استراتژیها را به چهار دسته تقسیم کرده است: اصلاحات بازاری/اقتصادی، اصلاحات اجرایی/اداری، اصلاحات افزایش شفافسازی/پاسخگویی، و افزایش پاسخگویی سیاسی. این پژوهشگر، پرسشنامه ای را به ۶۲ نفر از مقامات دولتی اریتره از ۱۳ وزارتخانه ی دولت اریتره داد تا به دیدگاههای آنها نسبت به وسعت، دلایل و راه های اصلاح فساد در اریتره پی ببرد. پاسخی که به سؤالات این تحقیق داده شد نشان می دهد که اگرچه روی هم رفته مقامات اریتره سطح فساد را در کشور نسبتاً پایین می دانند، معتقدند که پنج دلیل اصلی فساد به این قرارند: درآمد پایین مقامات دولت، نبود یک روند سیاسی شفاف/پاسخگو، نبود سیاست نخبه سالاری در گزینش افراد، نبود نظامی کارآمد برای گزارش فساد، و نگرش های منفعت گرایانه ی مقامات دولت (Destal 2006:447)

مطالعات ضدفساد در افریقا نیز قابل توجه است. بسیاری از این مطالعات معتقدند که فساد سیاسی، اداری وقضایی مانع اصلی تولید ثروت ورشد اقتصادی در افریقا است. یکی از محققان این عرصه راههای زیر را برای مقابله با فساد پیشنهاد می کند:

معرفی قانون های جدید و مرتبط تر، اصلاح مؤسسات و قوانین موجود، ارائه ی ساختارهای مشوق مرتبط با کارآمدی بیشتر، و مکانیزم های اجرایی برای کاهش امکان فرصت طلبی (Mbaku, 2008: 427).

در کشورهای شرقی نیز کای دینگ جیان در مقاله خود اصلاحات قضایی در کشور چین و همسویی آن با اصلاحات اقتصادی را گزارش کرده است. وی می نویسد :

یک تغییر شکل آرام در نظام قضایی چین در حال رخ دادن است. اگرچه این یک روند تقریباً تدریجی است، نتایج بسیار مهمی به دنبال دارد. ریشه ی این تغییر در بیش از ۱۰ سال اصلاحات نظام اقتصادی کشور نهفته است. البته فقط از زمانی که اصلاحات وارد مرحله ی اقتصاد بازار سوسیالیستی شد تغییراتی اساسی شکل گرفت. پس از چند دهه که عملکرد اقتصاد برنامه ریزی شده ی چین به پایان می رسد و جای آن را اقتصاد بازار سوسیالیستی می گیرد، یک تغییر شکل در ساختار جامعه، الگوهای رفتاری مردم، و حوزه های سیاسی و قضایی صورت می گیرد. چین در حال حاضر در روند تغییر از یک نظام قضایی قدیمی به یک نظام جدید قرار دارد. این مقاله در ابتدا زمینه ی تغییرات اقتصادی و اجتماعی، و بازسازی و توسعه ی سیستم قضایی را که از سال ۱۹۷۹ اتفاق افتاده است بررسی می کند و سپس طرحی کلی از بحران موجود در این سیستم و تغییرات عمیق آن را هم در زمان فعلی و هم در آینده ارائه می دهد (Dingjian, 1999:135).

در اروپا نیز اتحادیه اروپا جایگاه مهمی برای اصلاحات قضایی قائل است. به گونه ای که اصلاح سیستم قضایی کشورهای اروپای شرقی یکی از معیارهای اصلی ورود به اتحادیه اروپا بوده و هست. کشور بلغارستان در سال ۲۰۰۵ با این مقوله درگیر شد. دو پژوهشگری که در مورد این کشور مطالعه کرده اند به این نتیجه رسیدند که ضعف استقلال قوه قضائیه عامل اصلی ضعف عملکرد سیستم قضایی است. آنها متذکر می شوند که در بلغارستان شورای عالی قضایی از طریق تقویت مبانی صنفی و خودمختاری خود می تواند زمینه حذف سیاسی شدن و فساد مجریان قانون را فراهم سازد (Frison-Roche & Sodev, 2005:593).

در ایالات متحده آمریکا برای مبارزه با فساد در سیستم قضایی عمدتاً بر حاکمیت اصول اخلاقی تاکید شده است. یک گزارش تخصصی در این زمینه یادآور می شود "اگرچه دستگاه قضایی آمریکا شامل گستره وسیعی از اصول اخلاقی خوب و بد می شود، سطح کلی عملکرد اخلاقی قضایی نسبتاً بالا است. اکثریت قضات صادق و درستکار اند. هر جا که نارضایتی در میان است بیشتر به توانایی قضایی بر می گردد تا به اصول اخلاقی و صداقت در قضاوت، اما فساد، نادرستی، ضعف در برابر فشارهای سیاسی، و لغزش های اخلاقی دیگر ناشناخته نیستند و در موارد نادر بسیار شدید بوده اند. تعهدات اخلاقی سیستم قضایی بسیار فراتر از اصول ابتدایی

### ارتقای سلامت دستگاه قضا: موردکاوی مبارزه با پدیده واسطه‌گری / ۳۹

صداقت، بی طرفی، و انصاف است. قضات نه تنها باید از خلاف و خطا اجتناب کنند بلکه باید از هرگونه ناشایستگی چه در پشت میز محاکمه و چه در زندگی شخصی نیز به دور باشند. چندین مشکل اخلاقی و همچنین موقعیت‌هایی که می‌توان در آنها شاهد لغزش‌های اخلاقی بود مشخص شده‌اند. اگرچه سیستم قضایی ما در رابطه با تعهدات اخلاقی خوب عمل کرده است، اما هنوز نیاز به بهتر شدن دارد. بهترین تضمین‌کننده‌ی بالا بودن عملکرد اخلاقی، تأکید بر انتخاب افراد بسیار صادق برای دیوان قضایی است" (Thoron 1966:36).

دو ایده قابل توجه دیگر در ارتباط با فساد در مراجع قضایی عبارتند از شفاف‌سازی، همچنین حل معضل توافق قبل از محاکمه. البته برخی محققان متذکر می‌شوند که شفاف‌سازی بدون اقدامات تکمیلی چندان موثر نیست.

معمولاً گفته می‌شود که شفاف‌سازی درباره‌ی سازمان‌روشی مؤثر برای مبارزه با فساد است، اما این مطلب به ندرت مورد بررسی قرار گرفته است. این گفته توسط داده‌های جمع‌آوری شده در سطح دنیا تأیید و البته از چندین لحاظ، مشخص و اصلاح شده است. مهم‌ترین نکته در اینجا پی بردن به این مطلب است که توجه به تأثیرات عادی، تصویری اشتباه از اهمیت شفاف‌سازی در رابطه با فساد به ما می‌دهد. اگر شرایطی همچون شرایط آموزشی، چرخه‌ی رسانه و انتخابات آزادانه و منصفانه برای پذیرفتن مسئولیت ضعیف باشد، فقط در اختیار گذاشتن اطلاعات از فساد جلوگیری نمی‌کند. علاوه بر این به این مطلب پی می‌بریم که فعالیت‌های شفاف‌سازی که توسط خود سازمان صورت می‌گیرند در مقایسه با مؤسسات شفاف‌سازی تحت کنترل و غیرسازمانی مانند مطبوعات آزاد، کارایی کمتری دارند. یکی از پیام‌های مهم مطالعه این است که اگر می‌خواهیم شاهد تأثیرات مثبتی در رابطه با فساد باشیم، باید همراه با اصلاحات متمرکز بر افزایش شفاف‌سازی، برای بالا بردن ظرفیت شهروندان در مقابل آگاهی از اطلاعات نیز اقداماتی صورت گیرد (Lindstedt&Naurin, 2010:310).

توافق قبل از محاکمه را یکی از مصادیق مهم فساد قضایی دانسته‌اند. یکی از استادان دانشگاه کالیفرنیا در این باره می‌نویسد: "توافق قبل از محاکمه سبب بوجود آمدن ناآرامی و تنش می‌شود و علتش تا حدودی مربوط به این است که آن را رسماً بخشی از فرآیند جزایی نمی‌دانند و تا حدودی نیز به این دلیل است که نتایج آن مشاهده و کنترل نشده است. این نتایج اغلب اختیاری هستند و نیازهای تأدیبی مجرمین را برآورده نمی‌کنند. در نهایت، ترس از

#### ۴۰/ فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱

بی عدالتی و فساد و تأثیرات ریاکاری از دلایل توافق قبل از محاکمه است. آئین نامه ای مشابه با توافق قبل از محاکمه لازم است تا بتوان در فرآیند جنایی موقعیتی را برای داوری بهتر مهیا کرد، اما این عمل به شدت نیاز به اصلاحات دارد (Rosett, 1967:70).

به نظر می رسد چنانچه برداشت مردم نسبت به سیستم قضایی مثبت نباشد و نوعی فساد در بطن جامعه وجود داشته باشد، فشار تقاضا برای خدمات قضایی فاسد (اقدامات شبه قضایی غیر قانونی) افزایش می یابد.

بی اعتمادی به سیستم قضایی کلیدی ترین عامل برای گرایش جامعه به واسطه گران و دلالتان است. شکل گیری فشار تقاضا برای خدمات واسطه گران نیز موجب می شود عرضه این خدمات افزایش یابد. در نتیجه بخش هایی از نظام قضایی که بیشترین سطوح ارتباط را با مراجعه کنندگان دارند آلوده می شوند. بدین ترتیب تباری واسطه گران با برخی کارکنان مجتمع های قضایی موضوع را پیچیده تر می کند.



## ارتقای سلامت دستگاه قضا : موردکاوی مبارزه با پدیده واسطه گری / ۴۱

شکل زیر جریان شکل گیری و تشدید این پدیده را باز نمایی می کند.



### الگوی هم افزای عرضه-تقاضای خدمات فاسد قضایی

این الگو به نقش شهروندان در تحریک نظام اداری توجه دارد. از نظر این الگو "جامعه گرم" که در آن روابط خویشاوندی گسترده است زمینه رشد فساد را فراهم می کند (ذاکرحالهی، ۱۳۸۸:۳۵). در حقیقت دلال و واسطه که کاتالیزور و عامل ایجاد تبانی است بین دو قطب شهروند و کارمند (در اینجا قاضی یا کارمند محاکم) قرار می گیرد و تمایل دو سویه برای فساد قضایی و سود جویی را به هم جوش می دهد.

تیبین دیگر پدیده فساد قضایی و رابطه آن با واسطه‌گری ودلالی بدین صورت است که رانت جویی قضایی رابطه دوسویه ای با شکل‌گیری رانت قضایی دارد و یکدیگر را تشدید می‌کنند این دو پدیده معمولاً در کنار هم شکل می‌گیرند یعنی هم درخواست از طرف جامعه و هم انحصارطلبی و سود جویی از سوی قضات به عنوان دو موقعیت فساد وجود دارند. حال چنانچه زمینه و بافت فرهنگی نیز مساعد باشد وقوانین ومجازاتهایی بازدارنده ضعیف و نا کار آمد باشند دلالی و واسطه‌گری وتبانی رخ می‌نمایند.

#### دیدگاه فقه شیعه

تمهیدات فقه شیعه در ارتباط با پدیده واسطه‌گری در امر قضا عمدتاً ماهیت پیشگیرانه دارند تا مقابله. این تمهیدات و دیدگاهها را به صورت بسیار مختصر و اجمالی عرضه می‌کنیم.

#### الف- سلامت و درستکاری قضات و کارکنان

فقها بسیار صریح و روشن متذکر شده اند که اصولاً قضاوت شخص فاسق منعقد نمی‌شود (علامه حلی، قواعد الاحکام: ۳۹۴). زیرا یکی از صفات واجب قاضی عدالت است. از سویی قضاوت فرد جاهل به احکام جایز نیست. برخی فقها امانت و محافظت بر واجبات را نیز از شرایط قاضی دانسته اند (شرایع الاسلام: ۳۰۱).

از شگردهایی که که معمولاً در واسطه‌گری به کار می‌رود، رشاء و ارتشاء است. از نظر اسلام، پرداخت رشوه در امر قضاوت، برگیرنده آن حرام و بر دهنده گناه است. برگیرنده واجب است آن را به صاحبش برگرداند (شرایع الاسلام: ۳۰۷).

از مسایلی که ممکن است طرفین دعوی را نسبت به سلامت دستگاه قضا ناامید و به سوی راههای خلاف برای احقاق حق بکشاند، احساس عدم بیطرفی قاضی است. در فقه شیعه یکی از ارکان مبحث قضا، " تسویه بین خصمین " است. این تساوی حتی در نگاه کردن قاضی، نحوه جلوس و جواب دادن به سلام و انواع کلام و سکوت باید مراعات شود (علامه حلی، قواعد الاحکام: ۳۹۹ ایضاً شرایط شرایع الاسلام: ۳۰۸).

سخت‌گیری اسلام در سلامت و پاکدستی دستگاه قضایی تا جایی است که حتی کارکنان قضا نیز مانند کاتبان قاضی باید عادل، عاقل و عقیف از مطامع دنیوی باشند. مترجمان دستگاه قضا باید عادل باشند (قواعد الاحکام: ۳۹۹).

### ارتقای سلامت دستگاه قضا: موردکاوی مبارزه با پدیده واسطه‌گری / ۴۳

چنانچه شرایط در بالا فراهم شود بی تردید واسطه‌گری‌های مفسده‌انگیز جایگاهی در نظام قضای اسلامی نخواهد داشت.

#### ب- دسترسی آسان به خدمات قضایی

یکی از علل گرایش به واسطه‌گری و دلالتی در امر قضا، در دسترس نبودن خدمات قضایی است. از این رو مسأله دسترسی سهل‌الوصول به قاضی مورد توجه ائمه دین و فقها بوده است: «سزاوار است که قاضی در وسط شهر سکونت کند و در محلی بارز و مشخص یا فضایی که دسترسی به آن آسان باشد، مجلس قضا را تشکیل دهد (قواعد الاحکام: ۳۹۷ ایضاً شرایع الاسلام: ۳۰۴) و مکروه است که در وقت قضاوت، حاجب (دربان) اتخاذ کند (همان: ۳۰۵). تمهید دیگر اسلام در این زمینه، وجود قاضیان واجد شرایط به تعداد کافی است. به گونه‌ای که چنانچه بجز یک نفر شخص واجدالشرایطی برای قضاوت در یک شهر یافت نشود، تولیت امر قضا بر او واجب می‌شود. حتی اگر امام او را شناسد بر او واجب است تا خود را معرفی نماید زیرا قضاوت از باب امر به معروف است (قواعد الاحکام: ۳۹۳ و شرایع الاسلام: ۳۰۲).

#### ج- شرایط وکالت

وکالت را عقدی دانسته‌اند که دلالت بر طلب نیابت در تصرف می‌کند (قواعد الاحکام: ۵۹ واللمعه دمشقیه: ۷۴). برای حفظ سلامت و درستکاری فرایند وکالت تأکید شده است برای وکالت در دعاوی، شخص دارای مروت انتخاب شود (یحیی بن سعید، الجامع للشرایع، باب وکالت). همچنین بیان شده است که توکیل در امر حرام صحیح نیست (قواعد الاحکام، مقصد السادس: ۶۲).

علامه حلی در این باب مجدداً تأکید می‌کند که چنانچه فردی برای انعقاد عقد فاسدی وکیل شود نه آن عقد صحیح است و نه بوسیله آن مالک چیزی می‌شود (همان مأخذ)

از سویی توکیل در ایلاء و نذور وظهار صحیح نیست زیرا کذب هستند (الجامع للشرایع: ۵۴۱).

بنابراین از دیدگاه فقه شیعه صرف توکیل، فرد را مجاز به هر عمل یا تصرفی نمی‌کند و متعلق آن نمی‌تواند فعل حرام یا کذب باشد. بدیهی است حق را ناحق کردن و دخالت تخلف آمیز در امر مهم وکالت از مصادیق فعل حرام است.

در پایان این بخش این نکته نیز یادآور می‌شود که همانگونه که در سطور پیشین بیان شد واسطه‌گران و دلالتان در امر قضا ممکن است عمل خود را نوعی جعاله قلمداد کنند. از نظر فقه شیعه حتی با فرض قبول این عنوان، جعاله فقط برای هر عمل حلال و عقلانی جایز است. جعاله در این سه مورد جایز نیست: ۱- اعمالی که بر عامل واجب است ۲- اعمال حرام ۳- اعمالی که فاقد هدف عقلایی است (زین‌الدین جبعی عاملی، اللمه‌ه دمشقیه- ج ۴: ۴۳۹).

با خطوط اصلی که به اجمال بیان شد، خود به خود زمینه و فرصت و انگیزه برای عمل واسطه‌گری در امر قضاوت از بین می‌رود. این نکته با عنایت به جوهره فرهنگی و تربیتی مجموعه احکام اسلام بهتر درک می‌شود.

اکنون پس از فراغت از دیدگاه فقهی به بررسی موضوع در حقوق موضوعه می‌پردازیم.

### دلالتی در مراجع قضایی

دلالتی شغلی است که صاحب آن با معرفی و نزدیک کردن طرفین یک معامله به همدیگر، شرایط و خصوصیات معامله را برای آنان تشریح کرده و سعی می‌کند با تطبیق منافع طرفین، معامله را جوش دهد (ستوده تهرانی، ۴۵) وظیفه دلالتان انجام مذاکرات ابتدایی و فراهم کردن زمینه توافق (دمیرچیلی و همکاران، ۶۸۳) و حق انعقاد قرارداد و همچنین به اجرا گذاشتن تعهدات طرفین است و با دریافت و پرداخت موضوع تعهد کاری ندارد. دلالتی به موجب بند ۳ ماده ۲ قانون تجارت یک حرفه تجاری تلقی شده به همین جهت دلالتان تاجر محسوب شده و باید از مقررات مربوط به تاجران پیروی می‌کند اگر چه معامله ای که واسطه آن می‌شود تجاری نباشد یا آن که معامله را برای اشخاص غیر تاجر انجام دهد.

ماده ۳۳۵ قانون تجارت نیز دلال را کسی می‌داند که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می‌خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا می‌کند. اصولاً قرارداد دلالتی تابع مقررات راجع به وکالت است.

به نظر برخی محققان می‌توان دلالتی در حقوق تجارت را با عقد جعاله در قانون مدنی شبیه دانست. ما درصدد شناخت وجه تشابه و تمایز دلالتی و عقد جعاله نیستیم. به اعتقاد آنا

## ارتقای سلامت دستگاه قضا : موردکاوی مبارزه با پدیده واسطه‌گری / ۴۵

نمی‌توان با اندکی تسامح دلالی را یکی از مصادیق جعله شمرد، زیرا هر دو قرار داد به صورت شرط نتیجه منعقد می‌گردد که دلالی و عامل پس از تحقق نتیجه، استحقاق دریافت جعل و حق دلالی را پیدا می‌کنند (قهرمانی، ۲). به نظر نگارندگان این عقیده صحیح نیست و به صرف وجود شباهت بین دو قرارداد نمی‌توان احکام یکی را به دیگری تسری داد. به هر حال دلالی و جعله دو عقد مستقل با آثار مجزا هستند. کما اینکه جعله عام که عامل آن نامشخص است را نمی‌توان با دلالی شبیه یا یکسان دانست.

دلالتان مورد بحث ما جزء کدامیک از این دسته قرار می‌گیرند؟ با عنایت به ماده ۳۲۵ قانون تجارت و قسمت اخیر که آن مقرر می‌دارد. «... برای کسی که می‌خواهد معاملاتی کند، طرف معامله پیدا می‌کند...». ماهیت عمل انجام شده توسط واسطه می‌تواند از مصادیق دلالی قرار گیرد. البته در صورتی که طرفین قرار داد مشخصاً مبادرت به انعقاد قرارداد جعله میان خود کنند می‌تواند از عنوان دلالی خارج گردد. با توجه به این که قانون راجع به دلالتان تصدی به هر نوع دلالی را به داشتن پروانه منوط کرده است قانونگذار در مورد شخصی که بدون پروانه به این شغل مبادرت ورزد، وضعیت حقوقی این نوع دلالی را تعیین نکرده است. لذا با این اوصاف دلالتانی که بدون پروانه مبادرت به دلالی نمایند مستحق اخذ اجرت می‌باشند (ستوده تهرانی، ج ۱ ص ۵۲) لذا نمی‌توان دلالی بدون پروانه را از مصادیق دلالی باطل دانست. حال با توجه به این که دلالتان و واسطه‌ها در مراجع قضایی با ایجاد کانال‌های ارتباطی با افراد جامعه و نهایتاً معرفی آن‌ها به وکلا مبادرت به اخذ حق الزحمه از مردم می‌کنند آیا می‌توان این نوع واسطه‌گری را دلالی دانست؟ در واقع این نوع دلالتان برای دو طرف (مردم و وکلا)، طرف معامله پیدا می‌کنند. از آنجا که قانون تجارت عنوان معامله را برای وقوع دلالی مقرر نموده و اشعار داشته دو طرف را برای معامله به هم نزدیک می‌کند، انعقاد عقد وکالت بین وکیل و موکل به گونه‌ای قرارداد محسوب می‌شود. در این میان سئوالی که به ذهن می‌رسد این است که آیا این گونه دلالی می‌تواند واجد منشاء قانونی باشد. و با عنایت به سکوت قانون گذار در این مورد چاره چیست؟

هر چند که قانون گذار انجام هر نوع فعل دلالی را منوط به اخذ پروانه دلالی کرده اما برای اشخاصی که بدون پروانه مبادرت به دلالی می‌نمایند هیچ گونه ضمانت اجرایی معین نکرده است.

حال با توجه به رواج این گونه دلالی و با عنایت به عدم تصریح قانون و سکوت آن نسبت به این موارد آیا این فعالیت ها را می توان در قالب دلالی مضمول قانون تجارت صحیح تلقی نمود؟ در پاسخ به این سؤال باید قائل به تفکیک شد. ۱- چنانچه دلالات و واسطه ها بدون تأسیس دفتر و با توجه به روابط خود در اجتماع مبادرت به اخذ پرونده و معرفی آن به وکلا و اخذ جوهی به عنوان اجرت کنند. ۲- با تأسیس دفاتر مبادرت به انجام فعالیت نمایند. اگر بخواهیم بر مبنای قانون تجارت و قانون راجع به دلالات مصوب ۱۳۱۷ با موضوع برخورد کنیم، هر چند که در ماده یک قانون راجع به دلالات تصدی به هر نوع دلالی را منوط به داشتن پروانه نموده ولی برای آن ضمانت اجرای ماده ۹ را معین نموده است.

در هر حال دلالی نوع اول از انواع دلالی نیست که بتوان برای آن پروانه اخذ نمود زیرا همان طور که اشاره شد حل مشکلات قضایی مردم در قالب پذیرش وکالت از سوی وکلا و با مؤسسات حقوقی ارائه دهنده خدمات وکالت می باشد. یادآور می شود اگر اینگونه فعالیت ها مصداق واسطه گری در امر وکالت یا تبلیغات برای وکیل معین باشد تخلف انتظامی است. اما انجام این عمل در قالب دلالی محمل وگریزگاهی برای خلاصی از مقررات است.

با عنایت به اصول مسلم حقوقی و با توجه به این که دلال با توسل به روابط خویش مبادرت به پیدا نمودن طرف معامله برای اطراف معامله می کنند در این قالب نمی توان عمل وی را باطل دانست. نهایتاً طرفین هم با ایفاء تعهد توسط وی مبادرت به پرداخت اجرت می نمایند.

در واقع دلالات با ایفاء تعهد خود مبنی بر معرفی وکیل مبادرت به اخذ جوه مورد نظر می نماید اما در برخی موارد دلالات بدون همکاری با وکیل و با ادعای داشتن روابط در مراجع قضایی مبادرت به اخذ حق الوکاله می کنند. در اینجا وجه مفسده انگیز قضیه نمایان می شود.

به هر حال قرار گرفتن یک واسطه بین مردم و وکلا می تواند علاوه بر بالا رفتن تعرفه حق الوکاله تبعات منفی فراوانی در پی داشته باشد که از جمله آن می توان به پایین آمدن شأن وکلا، یا اخذ جوه حق الوکاله کمتر از تعرفه برای وکیل همچنین اختلال در کار روزمره مراجع قضایی اشاره کرد.

اکنون اگر بخواهیم با مبانی موجود در قانون تجارت در بحث دلالی مورد را بررسی کنیم حسب مورد باید عمل مذکور را مضمول آن دانست. زیرا ارکان مورد نظر تحقق یافته و مضمول تعاریف دلالی در این قانون می شود. به ویژه آنکه مطابق ماده ۳۳۶ قانون تجارت، دلال می تواند در رشته های مختلف دلالی نموده و شخصاً نیز تجارت کند. این موضوع می تواند

## ارتقای سلامت دستگاه قضا : موردکاوی مبارزه با پدیده واسطه‌گری / ۴۷

شامل دلالتی برای وکلا نیز بشود. اما شایسته ذکر است که وکیل در این شرایط دو نکته را باید مراعات کند. نخست آنکه براساس ماده ۶۷۲ قانون مدنی اصل امر وکالت رانمی تواند به دیگری محول کند مگر اینکه صریحاً یا به دلالت قرائن وکیل در توکیل باشد. دوم آنکه وکیل نمی تواند عملی را که از حدود وکالت او خارج است انجام دهد (ماده ۶۶۳ قانون مدنی). این امر می تواند شامل هر نوع گفتگو یا توافق خارج از پی‌گیری‌های رسمی و قانونی در امر وکالت باشد که منجر به اعمال نفوذ در محاکم شود.

### مؤسسات حقوقی

در کشور ما باب جدیدی از فعالیت های حقوقی در قالب مؤسسه حقوقی شکل گرفته است. این مؤسسات نیز با تمسک به قوانین تجارت و ثبت شرکت ها یک قالب فعالیت حقوقی خاص را برای خود ایجاد نموده اند. این مؤسسات که معمولاً از چند وکیل با تجربه بهره می برند، مبادرت به ارائه مشاوره حقوقی، تنظیم لوایح، قبول وکالت و ... می نمایند. برخی از این مؤسسات هم به نوعی به دلالتی و اخذ پرونده های حقوقی مردم نموده و با استخدام تعدادی وکیل دادگستری مقداری از حق الوکاله را به عنوان اجرت دریافت می دارند. به هر حال صورت فعالیت این مؤسسات در قالب قوانین می باشد.

تنها تفاوت دلالت در قانون تجارت (مؤسسات حقوقی) با دلالتان فعال در دادگستری این است که این دلالتان حق الزحمه خود را با مکانیسم قانون تجارت و در قالب موسسه حقوقی اخذ می نمایند.

به هر حال چنانچه فعالیت موسسه داورى یا مشاوره حقوقی تظاهر و مداخله در عمل وکالت تلقی شود، مشمول ماده ۵۵ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵ خواهد بود. انجام خدمات حقوقی وکالت، وصایت، داورى و ... توسط اشخاص حقوقی باید مستند به قانون باشد مانند انجام خدمات وکالت و وصایت بر طبق قانون و مقررات به عنوان یکی از وظایف نظام بانکی طبق بند ۱۶ ماده ۲ قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۷۹/۶/۸.

نظریه شماره ۷/۵۶۲۳ مورخ ۱۳۷۹/۶/۵ اداره کل حقوقی قوه قضائیه نیز موید این مطلب است :

تأسیس دفتر خدمات مشاوره ای حقوقی بدون مجوز از قوه قضائیه می تواند بر حسب مورد تظاهر و مداخله در امر وکالت و از مصادیق ماده ۵۵ قانون وکالت باشد، بنابراین تأسیس این

## ۴۸/ فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱

گونه دفاتر از جانب اشخاصی که فاقد پروانه یا جواز وکالت دادگستری باشند وجاهت قانونی ندارد و سازمان‌ها و ادارات دولتی نمی‌توانند با دفاتر موصوف قرارداد مشاوره حقوقی منعقد نمایند.

البته نظریه شماره ۷/۲۴۵۴ مورخ ۱۳۸۷/۴/۱۶ این اداره کل مواردی را از این تخلف استثناء کرده و بیان می‌دارد که :

مقررات ماده ۵۵ مذکور ناظر به تظاهر و مداخله در عمل وکالت و داشتن عناوینی از قبیل مشاوره حقوقی و غیره است. بنابراین چنانچه عمل افراد مذکور در حد عریضه نویسی و تهیه دادخواست باشد بدون اینکه نویسنده خود را مشاوره حقوقی معرفی نموده و یا در کار وکالت مداخله نماید منعی ندارد. تظاهر به امر وکالت و مداخله کننده معمولاً حالت استمرار دارد و وقتی تحقق پیدا می‌کند که شخص خود را در موقعیت وکیل دادگستری قرار داده و عملاً مانند وی عمل کند والا کسی که در موارد عدیده اقدام به تنظیم لایحه یا مشاورت حقوقی نموده باشد که بر مبنای روابط طرفین این عمل صورت می‌گیرد تظاهر در امر وکالت تلقی نمی‌گردد و از مصادیق ماده ۵۵ مذکور نیست.

بر اساس ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه، وکلا و مشاوران حقوقی موضوع این ماده مجوز تأسیس موسسات مشاوره حقوقی اخذ می‌کنند. اما نباید از نظر دور داشت که فعالیت این موسسات منوط به اخذ پروانه از قوه قضائیه همچنین ثبت در اداره ثبت شرکتها به عنوان یک موسسه غیرتجاری است. مطابق ماده ۲۳ آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۷ فعالیت در غیر محل که در پروانه درج شده همچنین تأسیس شعب و موسسات فرعی ممنوع شده و مستوجب تعقیب و تعطیلی دائمی یا موقت موسسه و تمام شعب آن خواهد بود. اما این تمهید برای پیشگیری از تبدیل این موسسات به قالب های صوری و واسطه گری برای اخذ پرونده کافی نبوده است. برخی از این موسسات با استخدام وکلای جوان و اخذ پورسانت عملاً به بنگاه‌های واسطه تبدیل شده اند.

نتیجه اینکه هر چند که دلالی در قوانین ما به صراحت با توجه به شرایط منابع در آن پذیرفته شده است. دلالی مخفیانه نیز در بسیاری از موارد در کشور ما در سایر فعالیت ها رواج دارد اما رواج این گونه دلالی در امر وکالت نمی‌تواند واجد آثار مثبت برای جامعه حقوقی ما باشد. خلاء قانونی مربوط به دلالی در امور قضایی و وکالت به مشکلات موجود و احیاناً ناسالم شدن بازار وکالت دامن می‌زند.



## ارتقای سلامت دستگاه قضا : موردکاوی مبارزه با پدیده واسطه‌گری / ۴۹

این دلالتی باید به روشنی از کارچاق کنی در محاکم تفکیک شود. همچنین تمایز بین بازاریابی و تبلیغات برای وکلای روشن نیست و در این مورد قوانین شفاف نیستند

از این رو شایسته است تا قوه قضائیه در صدد تدوین قانونی مناسب در این خصوص برآمده و با تعیین ضمانت‌اجراهای قانونی موانعی را برای فعالیتهای ناصواب فراهم نماید. زیرا انجام این گونه فعالیت‌ها به راحتی می‌تواند زمینه سوء استفاده شیادان را فراهم نموده و موجب سوءظن مردم به جامعه حقوقی کشور شود.

### تمهیدات مربوط به کادر قضایی

خوشبختانه در قوانین و مقررات جاری کشور تمهیداتی برای مقابله با فساد قضایی و حفظ سلامت ساز و کار اقدامات قضایی وجود دارد و بخشی از آنها نیز مشخصاً مربوط به ممنوعیت واسطه‌گری است. البته با توجه به قدیمی بودن این مصوبات، مطالب در حد کلی و اجمالی است و شگردها و شیوه‌های دلالتی و واسطه‌گری در محاکم و اعمال نفوذ در مراحل مختلف بررسی پرونده‌ها از تحقیقات تا اجرای حکم ملاحظه نشده است. اکنون با توجه به اظهارات رئیس محترم دستگاه قضایی کشور (۸۹/۹/۲۸) و سایر شواهد و مشکلات موجود نیاز به برخورداری از قوانین مستقل و تفصیلی در این زمینه احساس می‌شود.

مطابق اصل ۱۷۱ قانون اساسی هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی و یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است... مصادیق مختلف این تقصیر و حدود ضمانت قاضی باید توسط قوانین عادی به روشنی تبیین و احصا شود.

اما در مورد تخلفات، در ماده ۴ اصلاحی قانون تکمیل قانون استخدام قضات مصوب ۱۱ دیماه ۱۳۱۷، هشت نوع مجازات انتظامی از اخطار کتبی بدون درج در برگ خدمت تا انفصال دائم از خدمات دولتی برای قضات متخلف در نظر گرفته شده است و ساز و کارهای دادگاه عالی انتظامی قضات در کلیات روشن است. مهم در این میان سیستم‌های و سازکارهای فعال و روزآمد برای تسهیل شکایت ذی‌نفعان و اخذ گزارشات و ارجاع و رسیدگی و نظام‌های نظارتی و حرفه‌ای است که می‌بایست تقویت شوند.

## ۵۰/ فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱

در ماده ۱۸ نظام نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات و تعیین مجازات آنها مصوب ۱۳۰۴/۱۲/۱۳ هیات وزیران آمده است:

قضات و مستخدمینی که مغلوب نفوذ متنفذین و توصیه های دوستانه و غیره واقع شوند و در تحت تاثیر نفوذ یا توصیه بر خلاف وظیفه امری را انجام دهند و یا انجام وظیفه را ترک یا تاخیر نمایند به مجازات درجه ۶ محکوم خواهند شد.

هر چند مجازات پیش بینی شده در این ماده در شمار شدیدترین مجازاتهای انتظامی است اما نحوه جبران خسارت در این مقررات پیش بینی نشده و مصادیق این گونه اعمال نفوذها در پرونده های حقوقی و کیفری و نحوه برخورد با هر کدام احصاء نشده است.

این اجمال در ماده ۲۰ این مصوبه نیز مشهود است:

هر یک از قضات و صاحب منصبان پارک و مستنطقین که در ضمن انجام وظیفه رعایت قوانین موضوعه را ننمایند به نسبت تخلفاتی که از مستخدم مزبور سر زده است به مجازات درجه ۲ الی ۴ ماده ۳۸ قانون استخدام کشوری محکوم خواهد شد در صورتی که تخلفات مشهوده مستقلاً یا به انضمام تخلفات سابقه که موجب محکومیت شده است کاشف از عدم لیاقت مستخدم باشد مجازات متخلف مجازات درجه ۵ ماده ۳۸ قانون استخدام کشوری است و اگر تخلفات مزبور معتمداً برای اجراء مقصودی بر له یا علیه احد متداعیین به عمل آمده باشد متخلف به مجازات درجه ۵ یا ۶ محکوم خواهد شد و اگر محکومیت به مجازات درجه ۵ باشد تنزل رتبه کمتر از دو درجه نخواهد بود.

در ماده ۲۴ این مصوبه نیز آمده است:

هر یک از قضات یا صاحب منصبان پارک که مرتکب اعمالی شوند که مخالف با حیثیات و شرافت آنها باشد به مجازات درجه ۴ الی ۶ از ماده ۳۸ قانون استخدام کشوری محکوم خواهند شد.

### ارتقای سلامت دستگاه قضا : مورد کاوی مبارزه با پدیده واسطه گری / ۵۱

نوع تخلف	مجازات	مستند قانونی
<ul style="list-style-type: none"> <li>انتقال قرارداد وکالت در صورت عدم خاتمه و بدون رضایت موکل</li> <li>اعطای وکالت به غیر بدون داشتن حق توکیل</li> </ul>	مجازات انتظامی درجه ۴ به بالا مجازات انتظامی درجه سه یا چهار	ماده ۷۹ نظام نامه وکالت مصوب ۱۳۱۶ بند ۵ ماده ۷۶ اصلاحیه آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۸۸/۳/۲۷ رئیس قوه قضائیه
<ul style="list-style-type: none"> <li>تحصیل وکالت با استفاده از وسایل فریبنده</li> </ul>	مجازات انتظامی درجه ۴	بند ۳ ماده ۷ اصلاحیه آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا
<ul style="list-style-type: none"> <li>تسریع یا اطاله دادرسی به وسیله خدعه آمیز مثل رد دادرسی یا داور یا استعفا از وکالت و قبول مجدد آن یا...</li> </ul>	مجازات انتظامی درجه ۴	ماده ۳۸ قانون وکالت بند ۹ ماده ۷۷
<ul style="list-style-type: none"> <li>پرداخت هر گونه مال اعم از نقدی و غیر نقدی به کارمندان، قضات دادگستری و سایر ادارات و سازمان‌های عمومی</li> </ul>	مجازات انتظامی درجه ۴	بند ۱۲ ماده ۷۷
<ul style="list-style-type: none"> <li>ایجاد هر گونه ارتباط به منظور تبانی با قضات و کارمندان دادگستری و مراجع ذیربط دیگر</li> </ul>	مجازات انتظامی درجه ۴	بند ۱۲ ماده ۷۷
<ul style="list-style-type: none"> <li>تبانی با طرف موکل برای تضییع حق موکل یا هر خیانت دیگر</li> </ul>	مجازات انتظامی درجه شش	بند ۳ ماده ۷۹
<ul style="list-style-type: none"> <li>سوء اخلاق و اعمال وکیل و مسامحه</li> </ul>	مجازات انتظامی تا درجه ۴	ماده ۵۷ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵
<ul style="list-style-type: none"> <li>منع هرگونه تظاهر و مداخله در امر وکالت از طرف وکلای معلق و شخص ممنوع وکاله و یا فاقد پروانه وکالت</li> </ul>	یک الی شش ماه حبس تأدیبی	ماده ۵۵ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵
<ul style="list-style-type: none"> <li>سوء استفاده از عنوان وکیل یا مشاور حقوقی</li> </ul>	مجازات انتظامی درجه سه یا چهار	بند ۷ ماده ۷۶
<ul style="list-style-type: none"> <li>هرگونه تهدید، تطمیع و اعمال زور بر علیه موکل یا طرف وی</li> </ul>	مجازات انتظامی درجه ۵	بند ۶ ماده ۷۸
<ul style="list-style-type: none"> <li>تاسیس موسسه فرعی یا شعبه یا استقرار دارالوکاله در غیر حوزه قضایی</li> </ul>	مجازات انتظامی درجه شش (تکرار در مرتبه سوم)	بند ۵ ماده ۷۹

**تمهیدات مربوط به وکلا و مشاوران حقوقی:**

وکلا در صورت ارتکاب تخلفاتی که زمینه ساز واسطه گری است، مستوجب مجازات انتظامی خواهند بود این موارد موجب پیشگیری از رواج واسطه گری و دلالتی در فرآیند اقدامات قضایی می شود.

**اعمال نفوذ و پارتی بازی در مراجع قضایی**

«پارتی بازی» یکی از مصادیق شایع فساد اداری می باشد بر اساس نتایج طرح پیمایش ملی ارزش ها و نگرش های ایرانیان، بالغ بر ۸۷٪ مردم وجود پارتی بازی در جامعه را جدی و مهم ارزیابی کرده اند. مطابق یافته های این پژوهش ملی، بیش از ۸۱٪ جامعه آماری معتقدند نداشتن پول و پارتی باعث ضایع شدن حقوق فردی می شود و بالغ بر ۶۰٪ افراد جامعه واقعاً نمی دانند بالاخره باید قانون را رعایت کنند یا اینکه پارتی بازی کنند تا کارشان پیش برود. (دفتر طرح های ملی، ۱۳۸۱) براساس برخی پژوهش های دیگر نیز «پارتی بازی» در ردیف نخست مسایل و معضلات اجتماعی قرار دارد و ۵۲٪ درصد مردم کشور معتقدند پارتی بازی بیشتر شده است (خبرگزاری اقتصادی، کشور، ۱۳۸۹/۱۲/۲۳ نظرسنجی مرکز پژوهش های مجلس) پارتی بازی یا خویشاوند سالاری یکی از مصادیق شایع فساد اداری است که عموماً بر تبعیض و جایگزینی رابطه به جای ضابطه دلالت دارد. این واژه برگرفته از لغت لاتین Party به معنای حزب، گروه، طرفداری و جانبداری می باشد و در سده اخیر وارد زبان فارسی گردیده است، اگرچه در زبان انگلیسی برای این مفهوم از واژه هایی نظیر Favoritism و Nepotism استفاده می گردد (دانشنامه ویکی پدیا، ذیل واژه پارتی بازی).

در قوانین ایران از این واژه استفاده نشده است. بلکه بجای آن واژه "اعمال نفوذ" به کار رفته است. قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۲۹ آذر ماه ۱۳۱۵ تنها متن موجود در این زمینه است. هرچند از تصویب این قانون حدود ۷۵ سال می گذرد اما دلیلی بر نسخ آن وجود ندارد. در هر حال با ملاحظه مواد چهارگانه این قانون، اعمال نفوذ خواه از سوی افراد عادی و طرفین دعوا خواه از سوی مأمورین و مقامات دولتی و قضایی یا وکلا صورت پذیرد دارای وصف جزایی است.

ماده یک این قانون اشعار می دارد: "هر کس به دعوی اعتبارات و نفوذی در نزد یکی از مستخدمین دولتی یا شهرداری یا کشوری یا مأمورین به خدمات عمومی وجه نقد یا فائده دیگری برای خود یا شخص ثالثی در ازاء اعمال نفوذ نزد مأمورین مزبور از کسی تحصیل کند و

### ارتقای سلامت دستگاه قضا : موردکاوی مبارزه با پدیده واسطه‌گری / ۵۳

یا و عده و یا تعهدی از او بگیرد علاوه بر رد وجه یا مال مورد استفاده یا قیمت آن به حبستأدیبی از شش ماه تا دو سال و به جزای نقدی از یک هزار ریال تا ده هزار ریال محکوم خواهد شد.

هر گاه وجه نقد یا فایده یا تعهد را به اسم مأمورین مزبوره و به عنوان اینکه برای جلب موافقت آنها باید پرداخته شود گرفته باشد علاوه بر رد وجه یا مال مورد استفاده یا قیمت آن به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال و به جزای نقدی از دو هزار ریال الی پانزده هزار ریال محکوم خواهد شد."

از آنجا که خدمات قضایی نوعی خدمات عمومی تلقی می‌شوند، محاکم قضایی و مأمورین شاغل در آنها نیز مشمول این ماده قرار می‌گیرند.

به نظر محققان ، هر چند عنوان قانون مورد بحث «قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی» است اما اطلاق مقررات مواد این قانون حاکی است که حتی دریافت وجه یا فائده با ادعای اعمال نفوذ موافق حق و موافق مقررات قانونی نیز دارای وصف جزایی است؛ از این رو فرقی نمی‌کند که مرتکب از اعتبار یا نفوذ خود موافق حق و مقررات قانونی استفاده کند و یا بر خلاف حق و مقررات قانونی.

همچنین ادعای اعتبار نفوذ در نزد مأمورین قضایی و اداری باید توأم با دریافت وجه یا مال یا امتیاز یا قبول وعده آن برای وکیل یا شخص ثالث باشد؛ از این رو چنانچه فردی ادعای اعتبار و نفوذ نزد مقامات قضایی یا اداری نموده لیکن بدین واسطه وجه یا مالی تحصیل نکند، چنین اقدامی فاقد وصف مجرمانه بوده و از شمول این قانون نیز خارج است (حجتی، ۱۳۸۸).

از سویی می‌توان چنین گفت که حکم مذکور مطلق است نه مقید. لذا صرف ادعای داشتن نفوذ و اعتبار در مراجع قضایی کفایت می‌کند هر چند این عمل صورت نگیرد. البته به شرطی که طبق منطوق ماده ۱ توأم با دریافت وجه یا مال یا قبول وعده آن باشد.

ماده ۵۷۷ قانون مجازات اسلامی مکمل این ماده و ناظر به پیشگیری از اعمال نفوذ در سیستم قضایی است. براساس آن چنانچه مستخدمین و مأمورین دولتی اعم از استانداران و فرمانداران و بخشداران یا معاونان آنها و مأمورین انتظامی در غیرموارد حکمیت در اموری که در صلاحیت مراجع قضایی است دخالت نمایند و با وجود اعتراض متداعیین یا یکی از آنها یا اعتراض

## ۵۴/ فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱

مقامات صلاحیت‌دار قضایی رفع مداخله نمایند به حبس از دوماه تا سه سال محکوم خواهند شد.

صریح‌تر از موارد یادشده بخشنامه شماره ۱/۷۹/۱۳۳۴۴ مورخ ۱۳۷۹/۸/۲۶ رئیس قوه قضائیه به کلیه قضات واحدهای قضایی سراسر کشور است. این بخشنامه مقرر می‌دارد: استقلال قضایی در تصمیم‌گیریهای قضایی ایجاب می‌نماید کار رسیدگی و صدور رأی در دعاوی و اجرای احکام قطعی با دقت، مطابق با قوانین و مقررات صورت گیرد. افراد و مقامات که در قوه قضائیه یا خارج از آن، تکلیفی در این زمینه ندارند نباید در اتخاذ تصمیم‌های قضایی، توصیه یا دخالتی نمایند. احکام و قرارها هم باید به نحوی موجه و مستدل باشند که برای طرفین و اذهان عمومی شائبه اعمال نفوذ و سفارشی را در بر نداشته باشد و همگان را به سیر یک دادرسی عادلانه و عاری از توصیه، مطمئن سازد. از این رو قضات در جریان اقدامهای قضایی نباید توصیه‌های خارج از اصول اشخاص و مقام‌های قضایی را مورد توجه قرار دهند و تحت تأثیر نفوذ متنفذین یا افراد مطرح و شاخص، مرتکب اقدام خلاف قانون شوند والا مورد مواخذه و پیگرد انتظامی قرار خواهند گرفت. ضمناً توصیه‌های کتبی در صورت وصول به دفتر اینجانب فرستاده شود تا اقدام لازم به عمل آید. همچنین به جز مواردی که در قوانین تصریح شده اند احدی حق مطالبه پرونده یا دادن دستوری جهت اعمال در آن یا تقاضای تأخیر در اجراء حکم ندارد. مفاد بخشنامه‌های شماره ۱/۷۶/۱۱۹۰۴ - ۱۳۷۶/۱۱/۲، ۱۳۷۶/۱۱/۱۳ - ۱۳۷۷/۱۱/۱۳، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳ - ۱/۷۷/۱۳۱۷۳، ۵ - ۱/۷۷/۱۲/ ۱۳۷۷/۱۲/ ۵، ۱۳۷۷/۹/۲۱ - ۱/۷۸/۹۳۰۵، ۱۳۷۸/۹/۲۱، ۱۳۷۸/۹/۲۱ - ۸/۱۲۵۰۲ - ۱۳۷۸/۱۱/۲۶ و ۱/۷۹/۷۹۲۵ - ۱۳۷۹/۶/۱۰ در مورد دادن پاسخ مقتضی به استعلام قانونی از نتیجه پرونده‌های مورد پرسش و خودداری از ارسال گزارش به مراجع مشکوک یا غیرمسئول به اعتبار خود باقی‌اند.

با توجه به اهمیت موضوع، شایسته است مفاد این بخشنامه در قالب قانون به تصویب برسد تا ضمانت اجرایی بیشتری پیدا کند.

اما در ارتباط با فعالیت و کلا مطابق ماده ۴ قانون مجازات اعمال نفوذ نیز " هر وکیل عدلیه که به دعوی داشتن اعتبار و نفوذ در نزد مأمورین قضایی یا اداری یا حکم یا شهود و اهل خبره وجه یا مال یا فایده دیگری برای خود یا شخص ثالثی از موکل خود به عنوان اینکه باید به یکی از اشخاص مذکوره بپردازد یا مساعدت آنها را جلب کند تحصیل نماید یا وعده آن را قبول کند علاوه بر رد وجه یا مال مورد استفاده یا قیمت آن به حبس تأدیبی از یک سال الی سه سال محکوم خواهد شد".

## ارتقای سلامت دستگاه قضا : موردکاوی مبارزه با پدیده واسطه‌گری / ۵۵

به اعتقاد ما ماده فوق‌الاشاره دارای نواقصی است که از دایره تاثیر آن می‌کاهد. از جمله منحصر شدن آن به پنج گروهی که احصا شده‌اند. همچنین عدم شمول آن بر کارآموزان وکالت یا عدم شمول آن در شرایطی که وجه یا مال از فردی غیر از موکل اخذ شود.

### نتیجه‌گیری

مطابق اصل چهلم قانون اساسی هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله‌ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. بر این مبنا عمل واسطه‌گران در سیستم قضایی چنانچه مستلزم حق کسبی و فرصت طلبی باشد مشمول صدر این اصل و چنانچه موجب اختلال در روند جاری فعالیت قضایی کشور شود مشمول مفاد ذیل این اصل طلایی است. در هر حال روش تحصیل مال یا وجه باید دارای مشروعیت قانونی باشد. در غیر این صورت مشمول ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا اختلاس و کلاهبرداری است.

نکته مهم این است که معمولاً این نوع واسطه‌گری‌ها همراه با جرائمی چون ارتشا و کلاهبرداری یا تهدید یکی از طرفین دعوا یا وکلای آنان نیز هست. این همجواری موجب شده است قالب‌های قانونی این فعالیت مانند دلالتی و یا جعله کم رنگ شده و به موارد اندکی منحصر شود. از سویی ممنوعیت تبلیغات وکلا به این بازار مکاره دامن می‌زند. زیرا وکلای تازه‌کار برای بازاریابی ممکن است به سوی همکاری با این افراد سوق داده شوند. از این رو یکی از راه‌های کنترل این پدیده گشودن راه‌های قانونی و منطقی برای تبلیغات وکلا از طریق اصلاح مقررات موجود است. زیرا وکالت مانند سایر مشاغل یک کسب و کار است و در دنیای امروز بدون بازاریابی و تبلیغات امکان رشد مشاغل وجود ندارد.

از نظر مشروعیت بخشی، احتمال دارد مرتکب این اعمال به اصله الصحه استناد نمایند. ماده ۲۲۳ قانون مدنی اشعار می‌دارد هر معامله که واقع شده باشد محمول بر صحت است مگر اینکه فساد آن معلوم شود.

ما هم معتقدیم این گونه اقدامات چنانچه در قالب معاملاتی که جنبه عقلانی دارند واقع شوند و متضمن اضرار به غیر و تضییع حقوق دیگران نشوند و شرایط و ارکان معاملات را داشته باشند، صحیح و نافذند. اما اکنون سخن پیرامون فساد آنها یعنی بخش انتهایی ماده است. یعنی شرایطی که این گونه اقدامات ممنوع و منهی عنه‌اند. بنابراین استناد به این اصل به صورت

## ۵۶/ فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱

مطلق وجهی ندارد و معاملات موضوع این ماده باید ابتدا شرایط و ارکان یک معامله عقلایی را دارا باشند تا مشمول اصل صحت قرار گیرند.

همچنین استناد به ماده ۱۰ قانون مدنی و آزادی قراردادها نیز در این مورد تنها در صورتی دارای وجهت است که این گونه اقدامات چنانچه صورت قرارداد خصوصی دارند مخالف صریح قانون نباشند و تعارضی با نظم عمومی و اخلاق حسنه و مبانی شرع نداشته باشند. در غیر این صورت نافذ نخواهند بود.

اما چنانچه مرتکبین این اعمال، فعالیت خود را مصداق جعاله خاص بدانند باید گفت که هر چند در جعاله سخت‌گیری‌های معمول در عقود معوض وجود ندارد اما مطابق ماده ۵۷۰ قانون مدنی جعاله بر عمل نامشروع و یا بر عمل غیرعقلایی باطل است. بنابراین اگر شخصی در برابر ارتکاب جرم یا کار غیر اخلاقی و خلاف نظم عمومی ملتزم به دادن اجرت شود جعاله باطل است (کاتوزیان، ج ۲: ش ۱۴۳) مثلاً پول اخذ کند تا شاکی یا وکیل او را بترساند و از آنها رضایت بگیرد. علاوه بر این مطابق ماده ۲۱۵ قانون مدنی وجود منفعت عقلایی مشروع در مورد معامله شرط شده است.

باید اضافه کرد که واسطه‌گری اگر در قالب بازاریابی برای وکیل بدون تبلیغات باشد صورت و قالب مجاز و قانونی دارد به شرط آنکه در قالب دلالتی یا وکالت در امور غیرقضایی باشد اما در قالب انجام کارهای وکیل مجاز نیست.

همان گونه که پیشتر گفته شد معمولاً واسطه‌گری در سیستم قضایی با زنجیره‌ای از تخلفات و جرائم همزاد و همراه است. در جدول زیر نمونه‌هایی از آنها ذکر شده است



## ارتقای سلامت دستگاه قضا : موردکاوی مبارزه با پدیده واسطه‌گری / ۵۷

ردیف	تخلف یا بزه	وضعیت
۱	دعوی اعتبار و نفوذ در ادارات دولتی و تحصیل مال، امتیاز، یا وعده یا تعهد آن	مشمول ماده یک قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق
۲	سوء استفاده از روابط خصوصی با ماموران به نفع یا ضرر کسی	مشمول ماده ۲ قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق
۳	ترتیب اثر دادن نفوذ اشخاص در اقدامات و تصمیمات اداری توسط مستخدمین دولت	مشمول ماده ۳ قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق
۴	دخالت مامورین دولتی در امور قضایی	طبق ماده ۵۷۷ قانون مجازات اسلامی در صورتیکه رفع مداخله ننمایند وجه کیفری دارد
۵	پذیرش توصیه و سفارش متنفذین توسط قاضی و ترتیب اثر دادن به آن	بر اساس بخش نامه ۱۷۹/۱۳۳۴۴ ریاست قوه قضائیه ممنوع و مستوجب پیگرد انتظامی است
۶	اخذ مال، وجه یا فائده توسط وکیل از موکل با ادعای داشتن اعتبار و نفوذ نزد مامورین قضائی و اداری و ...	بر اساس ماده ۴ قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق وجه کیفری دارد
۷	معرفی خود به عنوان مامور دولتی یا دخالت در این مشاغل	مطابق ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی وجه کیفری دارد
۸	تحت تاثیر نفوذ یا توصیه قرار گرفتن قضات، انجام امری بر خلاف وظیفه یا ترک یا تاخیر در انجام وظیفه	طبق ماده ۱۸ نظام نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات - مصوب - ۱۳۰۴/۱۲/۱۳ مجازات انتظامی درجه ۶ دارد
۹	تهدید و مجبور کردن دیگران به دادن نوشته یا سند یا امضاء آن	مشمول ماده ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی
۱۰	فریب مردم به ادعای وجود شرکت یا تجارت خانه یا داشتن اختیارات واهی	کلاهبرداری مشمول ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری
۱۱	تخلفات زمینه ساز وکلا از قبیل : ایجادو سائط در امور وکالت وکالت بدون دفتر و دارالوکاله تحصیل وکالت یا وسائل فریبنده انتقال قراردادحق الوکاله به دیگری بدون رضایت موکل همکاری وکیل با متظاهرين به وکالت دلالی بدون اخذ پروانه تظاهر و مداخله در عمل وکالت تبلیغات برای وکلا	این موارد به موجب ماده ۶۱ و ۶۴ و ۷۹ نظام نامه قانون وکالت و بند ۳ ماده ۸۰ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا تخلف انتظامی است. همچنین همکاری وکیل با متظاهرين به وکالت معاونت در جرم تلقی می شود. خلاف منطوق ماده یک قانون راجع به دلالتان مصوب ۱۳۱۷ بر اساس ماده ۵۵ قانون وکالت تخلف محسوب می شود بر اساس مصوبه کانون وکلا تخلف است

در مجموع باید گفت که قوانین موجود در این باره دارای نقص هستند. قانون مجازات اعمال نفوذ حدود ۷۵ سال پیش تصویب شده و به برخی نواقص آن در متن اشاره شد. بخشنامه های قوه قضائیه در این مورد هرچند صراحت داشته و کارگشاییهای دارند اما بهتر است در کسوت قانون به تصویب رسند. برخی تخلفات انتظامی مندرج در بند ۱۱ جدول نیز از سوی کانون وکلا به خوبی پیگیری نمی شود. در هر حال تدوین قانونی جامع و روزآمد در این زمینه احساس می شود. قانونی که ضمن تبیین دقیق حدود کارهای مجاز و غیر مجاز این چند هدف مهم را نیز در بر بگیرد:

- سالم سازی محیطهای کاری قضایی و پیشگیری از وقوع جرائم مرتبط با واسطه گری به ویژه جلوه های جدید آن
- ایجاد شفافیت در خدمات قضایی و در دسترس بودن این خدمات
- توانمند سازی و آموزش مراجعین و شهروندان
- کاهش توان، فرصت و انگیزه ارتکاب بزه و بالا بردن هزینه اینگونه اقدامات
- بازسازی سازمانی و اداری مراجع قضایی برای نیل به موارد فوق

قانون یادشده می تواند تخلفات و جرائم مذکور در جدول فوق را اولاً- از حالت عام خارج و موارد مرتبط با دلالتی و واسطه گری در مراجع قضایی را به صورت خاص مورد توجه قرار دهد. ثانیاً- مواد قانونی مذکور را از اجمال گویی خارج و نواقص و ابهامات را با توجه به جلوه ها و شگردهای جدید متخلفان مرتفع نماید. ثالثاً- با نگاهی سیستمی و پویا کلیه جوانب مساله را کاویده و برای پیشگیری از وقوع جرائم در این حوزه یعنی حوزه قضایی که ملجا و امید توده های مردم است راه حلهای قانونی ارائه کند.

در نهایت مقررات حرفه ای و کدهای اخلاقی قضات و وکلا نیز می تواند به مدد حل مشکل آمده و عمل دلالتی و واسطه گری را به عنوان عملی خلاف عرف و شان آنان شناسایی و معرفی کند. همان گونه که پزشکان نمی پذیرند که جذب بیمار و مشتری توسط دلالتی صورت پذیرد، جامعه قضایی نیز این گونه فعالیتها را مطرود اعلام کنند.

فارسی

- حجتی ، سیدمهدی (۱۳۸۸) "ادعای داشتن نفوذ نزد قضات محاکم و کارکنان اداری دادگستری"، مشاهده شده در سایت کانون وکلا:  
[WWW.VOKALA.NET/INDEX.PHP](http://WWW.VOKALA.NET/INDEX.PHP)
- خبرگزاری اقتصادی کشور، "نتایج نظرسنجی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی"، نشانی اینترنتی [www.econews.ir/fa/news/129457](http://www.econews.ir/fa/news/129457)
- دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۳۸۱) ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور.
- دمیرچیلی محمد ، قرائی علی ، حاتمی محسن ، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی ، تهران ، میثاق عدالت
- ذاکر صالحی، غلامرضا، راهبردهای مبارزه با فساد اداری ، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸
- زین الدین جبعی عاملی، اللمه دمشقیه، جلد چهارم، دار احیا التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ه. ق
- ستوده تهرانی ، حسن ، حقوق تجارت ، جلد اول و چهارم ، تهران ، دادگستر
- علامه حلی ، قواعد الاحکام، در: سلسله البنا بایع الفقہیہ، دوره قدما، جلد ۱۶، موسسه الفقه الشیعه ، بیروت، ۱۴۱۰ ه. ق
- غلامرضا شهری وهمکاران (۱۳۸۶) مجموعه تنقیح شده قوانین ومقررات حقوقی، انتشارات روزنامه رسمی ، چاپ دوم ، جلد اول ودوم
- قهرمانی ، نصرالله (۱۳۸۳)، ماهیت حقوقی دلالتی در حقوق تجارت ، مجله کانون وکلا ، شماره ۱۸۴ و ۱۸۵
- کاتوزیان ، ناصر (۱۳۸۱) درس‌هایی از عقود معین، جلد دوم گنج دانش، چاپ چهارم

۶۰/ فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱

- سازمان شفافیت بین الملل، گزارش سال ۲۰۰۷ فساد جهانی، ترجمه آرش فرهودی، سازمان بازرسی کل کشور
- مجموعه قوانین کشور شامل: قانون تجارت، قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی، قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری
- محقق حلی، شرایع الاسلام، در سلسله الینابیع الفقهیه، جلد ۱۱
- یحیی بن سعید، الجامع للشرایع، باب وکالت، در: سلسله الینابیع الفقهیه، جلد ۱۶

لاتین

- Desta, Yemane (2006), Designing Anti-Corruption Strategies For developing Countries: A Country Study of Eritrea, **Journal of deveolping societies**, Dec 2006, Vol 22. No 4. pp:421-449
- Dingjian CIA (1999), **Development of the Chinese legal system since 1979 and its Current Crisis and Transformation, cultural dynamics**, July 1999, Vol 11. No 2. pp: 135-166.
- Frison- Roche, Francois & sodev, spas – dimitror (2005), **the issues involved in the reform of the Bulgarian judicial system**. International Review of administerative science 71 :593
- Lindstedt, Catharina & Naurin, Daniel (2010) Transparency is not enough: Making Transparency Effective in Reducing Corruption, **international politicalscienceReview**, August 2010. Vol 31. No 3. pp: 301-322
- Mbaku John, Mvkum (2008), Corruption Cleanups in Africa, **journal of Asian and African studies**, Agu 2008, Vol.43. No 4. pp: 427-456.
- Rosett, Arthur (1967), **The Negotiated Guilty Plea, The ANNALS of the American Academy of political and Social science**, Nov 1967, vol 374. No 1, pp: 70-81.
- Thoron Gray (1966) a report on judicial ethics.**The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science** January 1966 vol. 363 no. 1pp36-43
- The issues involved in the reform of the Bulgarian judicial systemInternational Review of Administrative Sciences December 2005 vol. 71 no. 4 593-606.